اختصاصی خراسان

### راز قتل مرد ضایعات فروش در مشهد برملا شد

# اعترافات هولناک زنی که در صحنه جنایت غش کرد!

**سیدخلیل سجادپور**- زنی که در صحنه قتل شوهرش، غش کرده بود بعد از گذشت ۴۸ ساعت از این ماجرای تلخ، راز هولناکی را فاش کرد و قتل همسرش را پذیرفت.

رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی روز گذشته با تشریح جزئیاتی از پرونده قتل «مرد ضایعات فروش به خبرنگار روزنامه خراسان گفت: بعد از ظهر پنج شنبه گذشته، خبر وقوع یک جنایت در خیابان شهید عطاحسینی ۱۳ واقع در پیچ دو تلگرد مشهد؛ به پلیس گزارش شد و بدین ترتیب گروهی تخصصی از کارآگاهان اداره جنایی با هدایت و نظارت سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی) عازم محله مذکور شدند و تحقیقات گسترده ای را زیر نظر مستقیم قاضی ویژه قتل عمد آغاز کردند.

سرهنگ کارآگاه جواد شفیع زاده افزود: وقتی کارآگاهان به صحنه جنایت رسیدند، با صحنه عجیبی روبه رو شدند که در همان بازدیدهای اولیه میدانی، متهم به قتل شناسایی شد و زیر چتر اطلاعاتی قرار گرفت. مقام ارشد پلیس آگاهی خراسان رضوی تصریح کرد: زن ۶۰ ساله که در تحقیقات مقدماتی مشخص شد همسر مقتول است، به حالت «غش» (بی هوش) کف خیابان افتاده بود و برخی از اهالی و رهگذران نیز در اطراف وی حلقه زده بودند!

در همین حال کارآگاهان که براساس تجربیات پلیسی و جنایی، به ساختگی بودن ماجرای غش کردن زن مذکور پی برده بودند با هماهنگی و دستورات قاضی «محمود عارفی راد» وی را در حالی زیر نظر گرفتند که او حتی در مرکز درمانی هم وانمود می کرد شرایط جسمی وخیمی دارد!

سرهنگ کارآگاه شفیع زاده در ادامه این گفت وگوی اختصاصی خاطرنشان کرد: با انتقال «فاطمه-س» به بیمارستان، تحقیقات میدانی در کنار مقام قضایی وارد مرحله جدیدی شد به طوری که بررسی ها نشان داد: مرد ۶۴ ساله در طبقه اول ساختمان ویلایی و با وارد آمدن ضربات جسم سخت به ناحیه سر در حالی به قتل رسیده است که آثاری از ورود به عنف در بخش های مختلف ساختمان و به ویژه در حیاط یا اتاق ها دیده نمی شد! به همین دلیل فرضیه وقوع جنایت خانوادگی قوت گرفت و همسر مقتول به عنوان اولین متهم زیر ذره بین تحقیقات رفت چرا که «غش کردن ساختگی» او نیز به ظن پلیس دامن می زد!

رئیس پلیس با تجربه آگاهی خراسان رضوی با اشاره به دستورات ویژه قضایی برای رعایت حقوق متهم و تکمیل درمان های پزشکی یادآور شد: اگر چه ادامه بررسی ها در محل وقوع جنایت بیانگر آن بود که زوج مذکور، اختلافات شدیدی با یکدیگر داشته اند به گونه ای که هر کدام در یک طبقه مجزا از ساختمان محل سکونت خودشان زندگی می کردند اما باز هم زن ۶۰ ساله (متهم) فقط در مرکز درمانی تحت نظر قرار گرفت تا این که پزشکان بعد از معاینات و بررسی های دقیق علمی، اظهار کردند که او از نظر جسمی ندارد و کاملا سالم است!

وی اضافه کرد: بنابراین زن ۶۰ ساله به مقر انتظامی منتقل شد و در حالی که مدعی بود که نقشی در قتل شوهرش ندارد، مورد بازجویی های تخصصی وفنی قرار گرفت. او در آغاز بازجویی ها گفت: من در بیرون از منزل بودم اما وقتی به خانه بازگشتم ناگهان با پیکر غرق در خون شوهرم روبه رو شدم و سراسیمه به داخل کوچه آمدم و در حالی که با فریاد از مردم کمک می خواستم، از شدت ترس و وحشت غش کردم!...

سرهنگ جواد شفیع زاده ادامه داد: ولی این زن با مشاهده نتایج علمی اثر برداری از صحنه جرم، دیگر نتوانست واقعیت ماجرا را پنهان کند بنابراین در اعترافاتی تکان دهنده گفت: از مدت ها قبل با همسرم که با یک دستگاه وانت ضایعات خرید و فروش می کند، دچار اختلاف شده بودم و او حتی مخارج روزانه زندگی را هم به من نمی داد. به همین دلیل وقتی برادر شوهرم از خانه بیرون رفت من هم به خاطر پرداخت نفقه با او به مشاجره پرداختم که در همان حالت خشم و عصبانیت، ناگهان تکه آجری را برداشتم و آن قدر به سرش کوبیدم که نقش بر زمین شد و جان سپرد. بعد هم با صحنه سازی از خانه بیرون رفتم و پس از بازگشت به منزل، وارد کوچه شدم و با فریاد و جیغ قتل شوهرم را بازگو کردم ولی برای طبیعی جلوه دادن قتل، خودم را نیز به حالت «غش» روی زمین انداختم و ... گزارش روزنامه خراسان حاکی است تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دارد.

اختصاصی خراسان

### با دستگیری ۲ سارق سابقه دار لورفت

# «جنجال آفرینی»، شگرد کیف زنان حرفه ای!

**سجادپور**- دو کیف زن حرفه ای که در مراکز شلوغ و محل های تجمع شهروندان دست به سرقت می زدند، در حالی توسط نیروهای کلانتری طبرسی شمالی مشهد دستگیر شدند که با شگرد «تنه زدن» و «جنجال آفرینی» اقدامات مجرمانه خود را ادامه می دادند و در برخی مواقع حتی برای تماس با پلیس ۱۱۰ به مال باختگان کمک می کردند!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، شب سی ام آذر، یکی از نگهبانان میدان بار نوغان در تماس با نیروهای انتظامی، از ماجرای کیف زنی دو زن جوان در بازار مذکور خبر داد که با هوشیاری مال باخته و شهروندان شناسایی و از خروج آن ها جلوگیری شده است. در پی دریافت این خبر، بلافاصله گروه گشت انتظامی با دستور سرگرد «جواد یعقوبی» (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) عازم میدان بار شدند و دو زن جوان را در حالی دستگیر کردند که یکی از متهمان، کیف زنانه ای را در تاریکی شب به زیر یک دستگاه خودروی پراید پرت کرده بود! با انتقال دو متهم به کلانتری، تحقیقات پلیسی از آنان هنگامی شروع شد که دو زن یاد شده مدعی بودند یکدیگر را نمی شناسند و تاکنون همدیگر را ندیده اند! اما فیلم دوربین های مدار بسته آنان را رسوا کرد و مشخص شد که دو زن جوان، در سرقت های زیادی نقش دارند!

در بازرسی از کیف دستی یکی از متهمان، ۵ کیف جیبی به همراه ۵ دستگاه گوشی تلفن کشف و ضبط شد که سرقت های دیگری را فاش می کرد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است شاکی این پرونده درباره ماجرای «کیف زنی» گفت: به اتفاق همسرم در حال خرید بودیم که ناگهان دو زن در اطرافم قرار گرفتند در این هنگام همسرم فریاد کشید «کیفت را زد!» یکی از زنان با شنیدن فریاد همسرم بلافاصله کیف را به زیر خودروی پراید پرت کرد و زن دیگر سعی داشت با «جنجال آفرینی» فرصت فرار را برای همدستش فراهم کند که شوهرم موضوع را به نگهبان بازار اطلاع داد و آن ها هم با پلیس تماس گرفتند!

چند کیف کشف شده از سارقان

در همین حال دو متهم مذکور که با تماشای تصاویر دوربین های مدار بسته دیگر چاره ای جز بیان حقیقت نداشتند وقتی مقابل افسران دایره تجسس قرار گرفتند با اقرار به سرقت گوشی تلفن شاکی مذکور از داخل کیف وی، شگردهای «کیف زنی» را نیز برملا کردند. زنی که مدعی بود همسرش هم اکنون به جرم سرقت در زندان وکیل آباد مشهد تحمل کیفر می کند، در اعترافات خود گفت: من و «زینب» (متهم دیگر) در بازارها و مکان های شلوغ مانند مترو و ایستگاه های اتوبوس، طعمه هایی را شناسایی می کردیم که کیف خود را آشکارا روی شانه انداخته یا به دست گرفته بودند. سپس در یک فرصت مناسب هر دو نفر به طعمه نزدیک می شدیم و یکی از ما به او تنه می زد، بعد با «جنجال آفرینی» که چرا هل دادی؟ حواس او را پرت می کردیم و در همین کشاکش به کیف او دستبرد می زدیم. سپس گوشی، کیف جیبی یا دیگر لوازم سرقتی را به همدست دیگرمان می دادیم. وقتی «جنجال» به پایان می رسید فردی که سرقت را انجام داده بود در اولین ایستگاه پیاده می شد. در این هنگام اگر طعمه متوجه ماجرای سرقت می شد، همدست دیگر که درون اتوبوس یا مترو بود با این بهانه که کیف مرا هم زده اند! با شاکی همدردی می کرد و گاهی کمک می کرد تا با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرد و بعد هم قبل از حضور پلیس از آن مکان خارج می شد!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، در حالی که بعد از دستگیری دو کیف زن حرفه ای، حدود ۱۵ تن از شاکیان با بررسی دوربین های مدار بسته شناسایی شده اند، بررسی های افسران دایره تجسس از دو زن معتاد ۴۰ و ۳۲ ساله برای کشف سرقت های دیگر آنان و شناسایی افراد مرتبط با این باند «کیف زنی» ادامه دارد.

شایان ذکر است: سرگذشت یکی از سرکردگان این باند سرقت در ستون امتداد تاریکی امروز منتشر شده است.

عکس ها از خراسان

# عامل جنایت مسلحانه در دامداری بازداشت شد

**سجادی**- نوجوان ۱۶ ساله ای که به اتهام جنایت مسلحانه در اتاقک نگهبانی یک دامداری در اطراف مشهد تحت تعقیب کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار داشت، روز گذشته بازداشت شد.

به گزارش روزنامه خراسان، بیست و ششم آذر گذشته، مرد ۴۴ ساله ای که به همراه همسرش در اتاقک نگهبانی یک دامداری در اطراف روستای دمیز زندگی می کرد هدف شلیک گلوله از سلاح شکاری قرار گرفت و جان سپرد. به دنبال وقوع این حادثه وحشتناک، تحقیقات ویژه ای با دستورات قاضی محمود عارفی راد (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) آغاز و مشخص شد که جنایت توسط نوجوان ۱۶ ساله ای به نام «امیرعلی-ت» صورت گرفته است.

همسر مقتول نیز با بیان این که شوهرش به نگهبانی از دامداری مشغول بود، بر ارتکاب قتل مسلحانه توسط نوجوان فراری اصرار داشت. بنابر گزارش روزنامه خراسان، در حالی که تحقیقات کارآگاهان با هدایت مستقیم سرهنگ سلطانیان (رئیس اداره جنایی آگاهی) به مخفیگاه نوجوان تحت تعقیب رسیده بود، برخی از افراد نیز به اتهام فراری دادن متهم مذکور، با دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب دستگیر شدند. در همین حال، عامل جنایت مسلحانه که در محاصره پلیس قرار گرفته بود خود را تسلیم قانون کرد و بازداشت شد.

وی در اعترافات خود ادعا کرد: مرد ۴۴ ساله قصد داشت مرا هدف تعرض قرار دهد که من هم اسلحه شکاری را برداشتم و فقط یک گلوله به سوی او شلیک کردم! بررسی های بیشتر درباره ادعاهای این نوجوان (متهم به قتل) با صدور دستورات محرمانه مقام قضایی، زیر نظر سرهنگ نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) آغاز شده است.

# حریق گسترده در انبار کالای خیابان ناصرخسرو

سخنگوی سازمان آتش نشانی از حریق گسترده در انبار کالای خیابان ناصرخسرو خبر داد. به گزارش خبرنگار مهر، جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش نشانی با اعلام این خبر که یک فقره آتش سوزی در انباری در تهران روی داده است، افزود: ساعت ۱۲:۴۳ ظهر دیروز یک فقره آتش سوزی در انبار کالا در خیابان ناصرخسرو کوچه مروی به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش نشانی تهران اطلاع داده شد؛ بلافاصله سه ایستگاه آتش نشانی نیروهای خود را به محل آتش سوزی اعزام کردند؛ در محل این حادثه مشاهده می شود که یک انبار یک طبقه به وسعت ۸۰ متر با سقف های قدیمی شیروانی شده در حالی که میزان زیادی از کالاها اعم از لوازم خرازی، رنگ و مواد قابل اشتعال در انبار وجود داشت در حال سوختن است.

ملکی با بیان این که یک زیرزمین ۳۰ تا ۴۰ متری هم در این ملک وجود داشت؛ اظهار کرد: دسترسی بسیار سختی به این زیرزمین تعبیه شده بود و راه پله بسیار تنگ و باریکی داشت و زیرزمین هم پر از جنس بود، این مجموعه به طور کل شعله ور شده و با توجه به این که سقف هم قیر اندود شده بود آتش به سرعت به همه جا سرایت کرد؛ دود بسیار غلیظی به آسمان متصاعد می شد به طوری که دود از فواصل دور هم رؤیت می شد. سخنگوی سازمان آتش نشانی افزود: در مجاورت این انبار یک طبقه، یک بنای دو طبقه وجود داشت که آن هم تبدیل به انباری برای نگهداری اجناس عطر و ادکلن شده بود که متأسفانه ادکلن هم از اجناس قابل اشتعال است و این احتمال وجود داشت که آتش این بار به سرعت گسترش یابد به همین منظور همکاران آتش نشان ما به رغم سختی دسترسی از چند طرف عملیات خود را آغاز کردند و با تلاش بسیار آتش را تحت کنترل خود درآوردند. ملکی با بیان این که هم اکنون آتش خاموش شده و اوضاع تحت کنترل درآمده است؛ اظهار کرد: همکاران مشغول لکه گیری پایانی هستند و از گسترش آتش به اطراف هم جلوگیری شده است. ملکی با بیان این که متأسفانه در بازار، بانقاطی مواجه هستیم که اغلب بدون دریافت مجوزهای لازم، تغییر کاربری می دهند و انواع انبارداری ها بسیار انبارداری های غلطی است؛ خاطرنشان کرد: زیرزمین ها پر از اجناس و کالاهایی است که بدون هیچ دسترسی مناسب و هیچ سیستم ایمنی خاصی حتی دریغ از یک خاموش کننده؛ روی هم انبار می شوند که طبیعی است با چنین وضعی ما شاهد این اتفاقات هستیم و می بینیم که سرمایه ها از بین می رود.

در امتداد تاریکی

# ماجرای باند زنان کیف زن!

هنوز کودکی خردسال بودم که شیوه و شگردهای سرقت را از مادرم آموختم و برای اولین بار در دوران نوجوانی راهی کانون اصلاح و تربیت شدم اما بعد از این ماجرا با یک دزد قطعات و محتویات خودرو ازدواج کردم تا راحت تر به پول های مفت برسیم ولی بعد از دستگیری شوهرم ماجراهایی رخ داد که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اعترافات و اظهارات زن ۴۰ ساله ای است که به همراه یکی از همدستانش و به اتهام ده ها فقره کیف زنی در مراکز تجاری، اتوبوس ها و قطارهای زیرزمینی (مترو) مشهد دستگیر شد.

این زن جوان که با دستورات ویژه سرگرد «جواد یعقوبی» (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفته بود بعد از افشای بیش از ۱۵ فقره کیف زنی و سرقت گوشی تلفن از بانوان مشهدی درباره سرگذشت تاسف بار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: از روزی که به خاطر دارم پدرم مردی دایم الخمر بود و همواره مست و لایعقل به خانه می آمد! مادرم در این شرایط برای تامین مخارج زندگی در ظاهر کارگری می کرد اما در واقع شغل اصلی او «سرقت» بود چرا که اشیای ارزشمند و قابل فروش را از خانه های مردم می ربود و از اعتماد آن ها سوء استفاده می کرد ولی سرقت های مادرم تنها از خانه های مردم نبود او من و خواهر کوچک ترم را نیز با خود به بازار می برد و به اموال مغازه ها دستبرد می زد مادرم وقتی کالا یا لوازمی را می دزدید بلافاصله آن را به دست من و خواهرم می داد که پنهان کنیم تا اگر فروشنده ای متوجه شد چنین وانمود کند که فرزندانش نفهمیده اند و به خاطر علاقه ای که به آن کالا دارند، بدون اجازه آن لوازم را برداشته اند! خلاصه من و خواهرم نقش پوششی را برای سرقت های مادرم بازی می کردیم و کسی هم به دو دختر هفت و پنج ساله مشکوک نمی شد! بالاخره شیوه های دزدی را به خوبی از مادرم آموختم و در دوران نوجوانی، خودم به تنهایی سرقت می کردم تا این که در ۱۶ سالگی و برای اولین بار در حالی روانه کانون اصلاح و تربیت شدم که محتویات کیف یک زن را خالی کردم! ولی در این مدت کسی به ملاقاتم نیامد و من دیگر از مادر و خواهرم خبری نداشتم. پدرم نیز به دنبال سرنوشت خودش رفته بود فقط تنها برادرم گاهی به من سر می زد! بعد از آزادی از کانون، جایی نداشتم و در خانه های اطرافیان و بهزیستی سرگردان بودم تا این که در همین زمان با سارقی آشنا شدم که به قطعات و محتویات خودروها دستبرد می زد. من و ناصر تصمیم به ازدواج گرفتیم و من با وجود مخالفت های برادرم به عقد او درآمدم تا در کنار یکدیگر به سرقت هایمان ادامه بدهیم و بعد از آن که سرمایه ای به دست آوردیم سرقت را کنار بگذاریم. مدتی بعد ناصر مدعی شد قصد دارد به خانه یک مرد پولدار دستبرد بزند چرا که از سرقت های قطعات، پول زیادی به دست نمی آورد. او می گفت: با این کار به اصطلاح نون و آبدار، دیگر دزدی نمی کند و زندگی آبرومندانه ای خواهیم داشت!

ولی پول مفت زیر دندان مامزه کرده بود بعد از این ماجرا، چند خانه دیگر را هم خالی کردیم و بالاخره دستگیر شدیم! در زندان با «زینب» آشنا شدم که او هم به جرم سرقت از مدت ها قبل در زندان تحمل کیفر می کرد. خلاصه یک سال با «زینب» زندگی کردم و به او علاقه مند شدم. او قبل از من از زندان آزاد شده بود که در همین روزها برادرم به ملاقاتم آمد و گفت: یک شغل سرایداری برایم پیدا کرده است. من هم بعد از آزادی به آن جا رفتم ولی چند ماه بعد صاحبخانه وقتی فهمید که من زندانی بوده ام و همسرم نیز هم اکنون به جرم سرقت در زندان به سر می برد، خیلی ترسید که سرایداری را به زنی سابقه دار سپرده است به همین دلیل عذر مرا خواست و من که باز هم آواره شده بودم به یاد «زینب» افتادم و با او تماس گرفتم! «زینب» که از شنیدن صدای من خوشحال شده بود، مرا به خانه مجردی خودش در بولوار «مجد» دعوت کرد و گفت: با تعداد دیگری از هم بندی های سابق، در آن جا زندگی می کند! به این ترتیب با اصرار «زینب» من هم به خانه مجردی او رفتم و این گونه دوباره باند کیف زنی را تشکیل دادیم.

حالا دیگر با شگردهایی که هر کدام از ما به خوبی آموخته بودیم در مراکز تجاری شلوغ مانند میدان بار نوغان، هنگام سوار شدن به اتوبوس های شرکت اتوبوسرانی یا قطارهای زیرزمینی (مترو) کیف زنی می کردیم تا این که به خاطر یک اشتباه بچگانه، باز هم هنگام دستبرد به کیف یک زن جوان در بازار میدان بار نوغان، شناسایی و دستگیر شدیم. حالا هم در حالی که شاکیان زیادی با فیلم و عکس های ما در مناطق مختلف وقوع سرقت به کلانتری مراجعه می کنند باید باز هم سال های زیادی را پشت میله های زندان بگذرانیم و...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است تحقیقات بیشتر افسران دایره تجسس با هدایت مستقیم سرگرد «یعقوبی» برای کشف سرقت های دیگر باند کیف زنان حرفه ای همچنان ادامه دارد.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**